باشد ایشان نماز کند و اگر جماعت نباشد و بیاید و کوتاه خلم حوض باشد و بوی آن را بکر دن نکرده باشد و با حوض بروی آب
کرده و ترک جماعت رجحت بود **فصل** اقتدا کسی که جنب یا حدث باشد و کسی که بر تن و جامه وی نجاستی باشد روا نباشد
و اگر حنفی بشافعی مصحف کرد و طهارت کرده نماز کرد از وی و یا اعتقاد باطل باشد ترک کرد نماز شافعی مذهب را بر وی درست نباشد
و اگر کرده باشد جماعت مسافر مقیم بود و اگر باشد و اگر سلطان یا نایب سلطان امامت کرد بسم الله الرحمن الرحیم بر کرد و دعا
مهم شافعی مذهب است و باعتقاد وی این اعتقاد کرد و اگر نماز درست باشد حرام نبود و خواه غایب و مفارقت نشاید کرد موی
شود بنشد و اگر حنفی مذهب صبح رکع با عتقاد شافعی مذهب این سخن حافظ کرده باشد شافعی مذهب را اقتدا بوی درست باشد و اگر
مقتدی بود که حنفی و اطلاق از چیزها که اسبابه نیم اقتدا بوی درست باشد و اگر حنفی مذهب اقتدا کرد بر شافعی مذهب که جماعت
کرده است و طهارت کرده اقتدا درست نباشد و در صورتی که اقتدا شافعی بر حنفی درست است چون در صبح اقتدا بحنفی کرده باشد اگر حنفی
نعوذ از کرد عرض کرد ما منع قنوت بجز از چون مکروه بود و الا منع بقنوت و کاکند و در آخر نماز بجز بسمه و در رکوع اقتدا حنفی
بر شافعی درست است چون در صبح اقتدا بوی کرده باشد و دل قنوت نیز نکرده است و بجز سهو کرد ماموم بر سجده کند و اگر سجده ترک کرد
ماموم سجده کند و اقتدا قاری بامی درست نباشد و آنی که قاری با بعضی از دل نماز و قاری آنکه اشهد و اقتدا کرد اما امی خواند
بکلیم اگر مقیم باشد چون غیر الله بیند نماز درست باشد و اقتدا بوی درست است اگر مقیم باشد بجز آنکه انبیت علیهم بکسر و با بضم یا مطلق
معنی بود بجز آنکه اهدنا الصراط المستقیم اگر نباشد قرآن بود و نماز درست باشد و اقتدا بوی درست نباشد و اگر قرآن
بیرون یا منکر بنوع است از آن معنی نماز درست باشد و لیکن قاری را بوی که اقتدا و آنا باشد و اقتدا مرد بزن و خنثی و آنا باشد
و اقتدای مقیم بمتوضی و مسافر یکی که با مسافر باشد درست بود مگر که مقیم مقیم بود و با نماز و آن
قضا معنی باشد و اگر بیان اشد که امام و مرد حرث و بجنب و با امی بود است و با زن و جامه وی نجاستی بنان بود و استاعال نماز
رنم باشد و اگر اقتدا بوی کرد که مرد بود و با نیا و نا بینا مرد و یکی آن اند و فقیه با امام اولیتر بود از قاری و اگر هر دو
فقیه باشند فقه اولیتر بود و اگر هر دو متساوی باشند اگر فاقه درست تر حق اولیتر بود و اگر هر دو متساوی باشند اگر بهتر کار تر بود
اولیتر باشد اگر هر دو متساوی باشند اگر بیش تر بود اولیتر بود و اگر بیش متساوی باشد اگر نیکوتر بود اولیتر بود و اگر در نسب
متساوی باشند اگر بحرت بیش بیاکی جامه اولیتر بود بیاکی صنعت بیش بیکوتر آواز موذن دارند و حکم در محل بیت نماز اولیتر باشد از غیر
اگر چه آن غیر از صاحب باشد نقیبا منوی و بالاتر و بکمال تر بود و اگر از اهل امامت باشد اگر کم و لیکن مردم دارد اولیتر بود بعین امامت
و اگر شخص حر موضعی بخرید سلکان بود از عبد حاکم و فقیه اولیتر و معبر از مستقیم و مستقیم
بنده او بیشتر بود در خانه وی و امام ثابت اولیتر بود در مسجد وی و اگر حاضر نباشد مستحب است که بر سند تا حاضر شود **فصل** شرط
اقتدا آنست که ماموم پیش از امام باستان یا شد در جهت قبله و اعتبار بپاشنه است و چون با امام حرکتی باشد نیز درست است

باشد و بسیار نیست و اگر ماموم در آن وی باشد بحسب باشد و اگر مردان و زنان باشد مردان پیش و زنان پس و چون کسی در نماز و
جماعت در نماز باشد که رکعت بدو که تنها باشد بلکه در صفوف نماز باشد نماز نباشد پس کسی بجز بکند **شرط دوم** باید که
عالم بود بر نماز امام از کسی که بدو یک امام یا بعضی از بعضها بیند یا بسبب آن و آن امام **شرط سوم** آنست که اصحاب امام و
ماموم در یک جای باشند پس اگر دو در یک مسجد نماز کنند بهمه حال اقتدا درست است و اگر مسجد در یکدیگر باشد هر دو را حکم
یک مسجد باشد و مسجد کدبیان مسجد است حکم مسجد است و آن مسجد است و اگر هر دو در فضا نماز کنند درست باشد بشرط آنکه میان
امام و ماموم زیاده از سیصد گز نباشد و اگر از بر امام دو کس یا دو صف ستاده باشند این صف آخر و اول
مقتدی باشد میان امام و آن و بیش نباشد اگر چه بیش مثلا اقتدا در مسجد اگر امام در خانه باشد و ماموم در یک دیگر و یا
یکی از ایشان در صحن خانه بود و آن دیگر بصفه آن خانه درست است و یا در صحن است چنانکه اقتدا درست باشد چون بصفه آن بنا باید یکی بنا
متصل باشد بحد و یکی چنان جای خالی نماند که یکی نتواند آنی و اگر ماموم از بر امام در خانه باشد اقتدا درست باشد چون بخشی باشد چون
آخر بنا امام و بخشی باطن در کرد و اگر ماموم است از بام باشد چنانکه میان آن دیوار کرده باشد فاز رفته و اگر میان هر
دو بنا حایل باشد که مانع نیست و بیند بود اقتدا درست نباشد قطعا و اگر امام بر جای بلند باشد و ماموم بر زمین بکلیت اگر سر بر بیت
بر نمی آید بر زمین اقتدا درست نباشد و اگر بیشتر باشد درست باشد **شرط چهارم** آنست که اقتدا مستحب اگر
نیت اقتدا متابعت کسی کند که نماز او باطل بود و نایب کسی نیت اقتدا نماز تکبیر بود و اگر نماز شرع جماعت منعقد بود تنها مستقل کرد و اگر
بعد از آن در اول نیت اقتدا کند روا باشد و اگر نماز ادا بقضا و فرض بنفل بکسی اقتدا کند درست باشد اگر چه تنها فاضلتر است بسی اوقات
که اقتدا او فرض بنفل و ادا بقضا فاضلتر و ثواب بیشتر بود و اگر امام نیت امامت نکند نماز درست باشد مگر در نماز جمعه و لیکن ثواب و فضیلت
جماعت نباشد **شرط پنجم** آنست که نظر نماز امام و ماموم موافق بود در افعال و ارکان نماز اگر در نماز فرض بر کسی که نماز جنازه و یا کسوف
کند و اقتدا کند درست نباشد و اقتدا اگر در صبح نظر بود و یکی آن روا باشد **شرط ششم** موافقت است در حرث امام در فرض و نماز
نماز که کنند ماموم را متابعت وی روا باشد و اگر سنتی نماز کرد که استعمال سنت بدان تخلق فاحش است چون سجود تلاوت و تسلیم
اول ماموم بدان مشغول گردد و اگر نماز شرط باطل کرد **شرط هفتم** متابعت است و متابعت آنست که بر نیت امام رود و نماز وی که ابتدا
کرده است بنا کند از آن نماز متاطل بود و از ابتدا کردن امام بدان و مقدم بود بر آن اخر امام از آن و اگر امام بر بیت فضیلت
جماعت بیابد و باید که تمام تکبیر ماموم از پس تکبیر امام باشد و اگر تکبیر امام باشد و اگر پیش از امام زود و خاص کرد و در بعض صور
رکعتها نماز پس باطل گردد چنانکه بعد از این بیاید و اگر از امام بعذر تخلف نمود و بکم اگر تخلف بیک رکعت زاده باشد نماز باطل نباشد
و اگر بیک رکعت نماز باطل باشد چون رکن فعلی بود اگر در رکن بنو فعلی در رکن است که میان اعتدال و جلوس است میان دو سجده
و اگر امام بر رکوع رفت و ماموم بقراءة است و امام آن مسبوق گشت و بدو رکن در آن متخلف شد نماز پس باطل گردد و اگر امام باشد
رفت و ماموم مشغول در قیام است نماز پس باطل گردد و اگر فرا آید بجز دو هشتم سجود نرسیده است باز رسید نماز پس باطل گردد و اگر بود
یک تخلف نمود بجای که امام بر قراءة بود و ماموم بعد القراءة و امام بر رکوع عرض شد پیش از آن که فای ماموم تمام کرد و قراءة بقیه آن

Copyright © King Saud University

Created with PDFsharp 1.2.1269-g (www.pdfsharp.com)